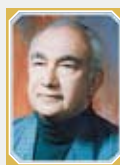




دوستانی بهتر از آب روان
خاطرات من و سهراب
دکتر حبیب‌الله حسینی ۲۹



درباره جنایت و مکافات

• معین بادپا



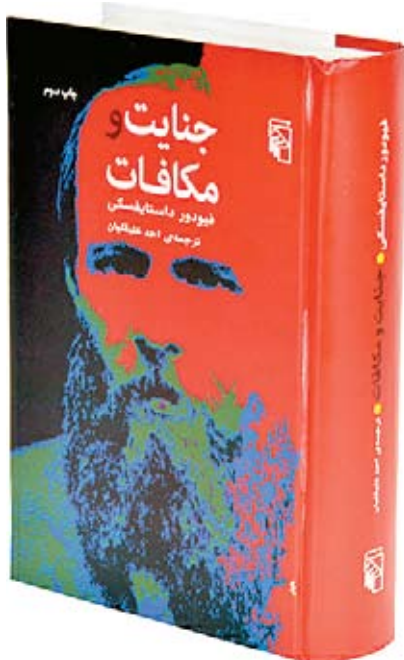
جنایت و مکافات دست یابند. شش - وودی آلن با برداشت از رمان جنایت و مکافات، دو فیلم ساخت. فیلم «امتیاز نهایی» در سال ۲۰۰۵ برداشتی است از این رمان که تمایلات اخلاقی، حرص و طمع و روابط انسانی را در فضای لندن به تصویر می‌کشد. پیش از آن در سال ۱۹۸۹ نیز فیلم جنایت و جنحه (یا جرم‌ها و بزبهارها) ساخته شد. فیلمی موفق که توانست جوایز متعددی را در حوزه فیلمنامه‌نویسی از آن خود کند.

هفت - داستایفسکی از بیماری صرع رنج می‌برد و به این موضوع در اغلب رمان‌های او (بیش از یک صد مورد) اشاره شده است. اگرچه در رمان جنایت و مکافات، شخصیتی که به این بیماری مبتلا باشد، دیده نمی‌شود، اما در چهار کتاب دیگر او چنین فردی حضور دارد.

هشت - مجله «پیام‌رسان روسی»، در قرن نوزدهم و بیستم، مجری برای ابراز عقاید متفکران سیاسی روسیه به حساب می‌آمد. جنایت و مکافات داستایفسکی نیز در سال ۱۸۶۶ در ۱۲ شماره ماهنامه به چاپ رسید. جالب است بدانید رمان‌های جنگ و صلح و آناکارنینا نوشته لئو تولستوی نیز نخستین بار در همین مجله منتشر شدند.

نه - آثار بسیاری در کشورهای مختلف با الهام از این اثر نوشته شد. از معروف ترین آنها مانگای ژاپنی «دفتر مرگ» به قلم تسوگومی اوبا و طراحی «تاکه‌کشی اوباتا» بود که در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ به چاپ رسید. این مانگا ماجرای مرد جوانی است که از جرم و بزبهارها بیزار است. او دفتری پیدا می‌کند که رویش نوشته شده دفتر مرگ. با نوشتن اسم هر فرد در این دفتر و تجسم چهره او در ذهن، شخص مورد نظر پس از ۴۰ ثانیه بر اثر حمله قلبی خواهد مرد. مرد جوان از این دفتر با هدف نابودی خلافکاران استفاده می‌کند.

ده - شخصیت اصلی داستان، شباهت بسیاری به قاتلی در دنیای واقعی (لسر، شاعر فرانسوی) دارد. لسر چندین مرتبه برای قتل به زندان می‌افتد. او نیز مانند راسکولنیکف، تلاش می‌کند تا قتل‌هایی که مرتکب شده است را با عنوان اعتراض علیه بی‌عدالتی توجیه کند. اما در نهایت در سال ۱۸۳۶ به اعدام محکوم می‌شود. لسر در کتاب ابله، نوشته داستایفسکی هم حضور دارد و می‌تواند نمونه اولیه جنایتکار رمانتیک یا یک ضد قهرمان دغلکار باشد.



به کارگردانی لارنس مک گیل، منعکس کننده محبوبیت ادبیات داستایفسکی در غرب در اوایل قرن بیستم بود. ستاره این فیلم، درونت هال کین، بازیگری انگلیسی بود که در سال ۱۹۳۵ به دستور جورج ششم کشته شد.

چهار - داستایفسکی پس از پیوستن به یک گروه سوسیالیستی به نام انجمن انقلابی سری اسپشنوف، در سن ۲۷ سالگی در سبیری زندانی شد. او و سایر دوستانش در زندان، در سال ۱۸۴۹ به تیرباران محکوم شدند. اما در زمان اعدام، نامه‌ای از تزار رسید و اعدام منتفی اعلام شد. البته این یک عفو از طرف سزار نبود، بلکه ابتدای امر قرار بود سناریویی با هدف انداختن ترس به قلب مخالفان به اجرا دربیاید.

پنج - سه نسخه برای رمان جنایت و مکافات منتشر شد که در حاشیه‌های آنها نکاتی در مورد شخصیت‌های رمان از جمله راسکولنیکف و سونیا نوشته شده بود. توصیف مکان‌هایی در سن پترزبورگ یا جزئیات بسیار توسط داستایفسکی، محققان را قادر ساخت تا به نقشه کاملی از ساختمان‌های مهم در

رمان جنایت و مکافات، به قلم فیودور داستایفسکی، داستانی روان شناختی است که در نوع خود یک شاهکار به حساب می‌آید. این رمان، با شرح ریشه‌های تبهکاری، اخلاق و رستگاری، مزایا و معایب سودمندگرایی را تحلیل می‌کند. اعتقاد به اینکه یک عمل خوب از لحاظ اخلاقی، عملی است که به اکثر مردم منفعت می‌رساند.

نیکلای استراخف، منتقد ادبی که دوست نزدیک لئو تولستوی بود، این رمان را «شور ادبی» در سال ۱۸۶۶ نامید. از آن زمان تاکنون، جنایت و مکافات، با طرح سوالات دشوار اخلاقی، پیچیدگی‌های روانشناختی و تضادهای شخصیت نقش اول داستان، یعنی راسکولنیکف، خوانندگان بسیاری را مسحور خود کرده است. برای شناخت بیشتر جنایت و مکافات، ۱۰ نکته زیر را درباره این اثر بخوانید:

یک - رمان جنایت و مکافات در ابتدا قرار بود با عنوان «می‌خوارگان» منتشر شود. داستایفسکی، این رمان را به مثابه آزمونی مستی در زندگی خانوادگی و مشکلات ناشی از آن تصور کرد. به خصوص در کشوری مانند روسیه که مصرف مشروبات الکلی در آن بسیار بالاست. اما پس از آنکه او تصمیم می‌گیرد تا طرح کلی داستان را به «قتل» تغییر دهد، موضوع الکل، دیگر نقش مهمی در داستان ندارد.

دو - آلفرد هیچکاک، علی‌رغم توصیه برخی افراد، از ساخت نسخه سینمایی جنایت و مکافات اجتناب کرد. زمانی که فرانسوا تروفو، فیلمساز، نظریه‌پرداز، منتقد سینمای پوزیتیویسم جریان موج نوی فرانسه، در پی تطبیق کتاب با نسخه نمایشی آن بود، از هیچکاک در مورد دلیل پرهیزش از این کار می‌پرسد. هیچکاک این گونه پاسخ می‌دهد: «بحث زیادی درباره تحریف شاهکارهای ادبی از سوی کارگردان‌های هالیوود وجود دارد. من این گونه نخواهم بود.» در واقع هیچکاک معتقد بود که حذف بخش‌هایی از کتاب و حتی واژگان آن، امکان پذیر نیست و نسخه سینمایی به اصل اثر ضربه می‌زند.

سه - نخستین فیلم اقتباسی از رمان جنایت و مکافات، فیلمی صامت بود که در سال ۱۹۱۷ در ایالات متحده آمریکا ساخته شد. این فیلم

هوش و درک و استعداد

هوش سرشار سهراب از همان دوران کودکی چشمگیر می‌نمود. در تمام دوران تحصیلی: دبستان، دبیرستان، دانشسرا و دانشگاه رتبه اول را در میان همکلاسی‌ها احراز کرده و به دریافت جوایزی نایل گشته بود. گرچه جایی نخوانده‌ام که از سهراب ازمایش ضریب هوشی به عمل آورده باشند، اما بی‌گمان ضریب هوشی او بسیار بالا بوده است.

حافظه قوی

با داشتن حافظه قوی، هر چه را می‌دید و می‌شنید و می‌خواند، به خوبی به خاطر می‌سپرد و در موقع لزوم از آن بهره می‌گرفت. به عنوان نمونه می‌توانم اشاره کنم به مقاله‌ای که تحت عنوان «معلم نقاشی ما» و در کتاب «طاق آبی» درج شده است.

این مقاله را سال‌ها پس از دوران دبیرستان نوشته و آنچنان شرح و توصیف از معلم نشان داده است که گویی همان لحظه روبروی معلم نشسته و جزئیات جسمی و روانی و نحوه کار او را نشان داده است. برای من که فرزند معلم نقاشی‌اش بوده‌ام، این دقت عجیب در توصیف او پس از گذشت سال‌ها، حیرت‌انگیز می‌نمود.

پدرم در کلاس نقاشی معمولاً جانوری یا منظره‌ای با گچ روی تخته سیاه کلاس می‌کشید تا دانش‌آموزان از روی آن نقاشی کنند. سهراب پس از گذشت سال‌ها، به خاطر داشته است که معلم همیشه حیوانات را به نحوی می‌کشیده است که گویی از طرف راست به چپ می‌روند!

این دقت و به خاطر داشتن آن را هیچ یک از دانش‌آموزان نداشتند. با داشتن حافظه قوی، به زبان‌های فرانسه و انگلیسی تسلط کافی یافته بود و بدین‌روی با جهان شعر و ادب فرانسه و انگلیس آشنایی کامل داشت.

روزگاران کودکی

روانشناسان معتقدند که چند سال اول دوران کودکی، نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت روانی افراد دارد. به‌طوری که بسیاری از رفتارهای شخصی و اجتماعی اشخاص از دوران کودکی آنان سرچشمه می‌گیرد.

سهراب از دوران کودکی اش خاطرات شیرین و خوشی داشته است و این خاطرات در اشعار و حتی در نقاشی‌هایش نیز جلوه‌گر شده‌اند. در چند سال آغازین زندگی در باغ وسیع و پردرختی زندگی می‌کرده که یادگار اجدادی خانواده بوده است. بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحاتی که در اشعارش، به‌خصوص در شعر بلند صدای پای آب دیده می‌شود، نشأت گرفته از زندگی در همان باغ است.

از آنجا که دوران کودکی و نوجوانی من هم در همان شرایط بوده است، درک احساسات و به کار بردن برخی از واژه‌هایش برایم آسان می‌نماید. ما هم باغی داشتیم با همان ویژگی‌های محل زندگی سهراب؛ اما در سوی دیگر شهر. باغ اجدادی سهراب در ناحیه‌ای به‌نام دروازه عطا در انتهای شهر و در سر راه کاشان به اصفهان بود و باغ اجدادی ما در انتهای دیگر شهر و در ناحیه‌ای به نام ملک‌آباد و در سر راه کاشان به تهران، باغ ما، ارث پدر بزرگ مادری‌ام بود که پیش از تولد زندگی را بدرود گفت و از او خاطرهای نداشتم، اما مادر بزرگ مادری‌ام تا آن زمان که تحصیلات پزشکی‌ام پایان یافت، در آن باغ زندگی کرد. او بانویی مهربان، باتدبیر و زحمتکش بود. منظورم از یادآوری این نکات، توجه به دقت و هوش و حافظه سهراب است در مورد انارهایی که در باغشان بود. باغ ما هم انارستان وسیعی داشت که در آن انواع انارها یافت می‌شد.

ادامه دارد

